



## دعبل خزاعی

محمد بن علی خزاعی و کنیه‌اش «ابوعلی» یا «ابوجعفر»<sup>[۱]</sup> از شعرای مشهور شیعه و در ردهٔ اول شاعران عالی در دوره اول عباسی بود.<sup>[۲]</sup>

### فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی دعبل
- ۲ - شهرت خزاعی
- ۳ - خاندان خزاعی
- ۴ - دوران فرمانداری
- ۵ - سفرهای دعبل
- ۶ - عشق به اهل بیت
- ۷ - طبع زود رنج و ظریف دعبل
- ۸ - تعصب
- ۹ - سخنان دیگران درباره وی
  - ۹.۱ - نقل از ریحانة الادب
  - ۹.۲ - سخن ابوعثمان جاحظ
- ۱۰ - دشمنی ابوالفرج اصفهانی
- ۱۱ - ایمان و دانش دعبل
- ۱۲ - تالیفات
  - ۱۲.۱ - مضمون طبقات الشعرا
  - ۱۲.۲ - دیوان اشعار
- ۱۳ - قصیده تائید
- ۱۴ - دعبل و ارتباط با امام رضا علیه‌السلام
  - ۱۴.۱ - مدارس آیات
  - ۱۴.۲ - تفسیر قصیده
- ۱۵ - اجازه امام رضا علیه‌السلام
  - ۱۵.۱ - خواندن مطلع
  - ۱۵.۲ - ابیات پایانی امام
  - ۱۵.۳ - لباس متبرک
- ۱۶ - حمله راهزنان در راه بازگشت از دیدار امام رضا علیه‌السلام
  - ۱۶.۱ - شاعر آل محمد
  - ۱۶.۲ - بازگرداندن اموال غارت شده
- ۱۷ - شهادت دعبل
- ۱۸ - اختلاف روایات درباره مرگ و محل دفن دعبل
  - ۱۸.۱ - متن وصیت نامه
  - ۱۸.۲ - علت مخفی بودن قبر دعبل
- ۱۹ - پانویس
- ۲۰ - منبع

### معنای لغوی دعبل

دعبل (دعبل با کسر اول و ثالث به معنی شتر جوان و نیرومند که لقب این شاعر بزرگ است، و نام شجاعترین و پر جهادترین شاعران بنی امیه است)<sup>[۳]</sup><sup>[۴]</sup><sup>[۵]</sup>

### شهرت خزاعی

نام اصلی وی محمد بن علی خزاعی و کنیه‌اش «ابوعلی» یا «ابوجعفر» به او می‌گفتند، که البته بیشتر به ابوعلی شهرت داشت.<sup>[۶]</sup> وی از شعرای مشهور شیعه و در ردهٔ اول شاعران عالی در دوره اول عباسی بود<sup>[۷]</sup> که در سال ۵۱۴ ه‍. ق در عصر امام جعفر صادق علیه‌السلام، امام ششم شیعیان (در سال شهادت ایشان)، در عهد خلافت منصور دوانیقی (۵۱۳ ه‍. ق) در کوفه در خانواده‌ای مشهور به علم و فضل و شعر و دوستدار اهل بیت علیه‌السلام متولد شد. (بعضی گفته‌اند اصل دعبل و خانواده‌اش از شهر قرقیسا - در کنار نهر فرات - بود)<sup>[۸]</sup><sup>[۹]</sup><sup>[۱۰]</sup><sup>[۱۱]</sup><sup>[۱۲]</sup><sup>[۱۳]</sup><sup>[۱۴]</sup>

### خاندان خزاعی

وی دوران کودکی و نوجوانی را در کوفه گذراند<sup>[۱۵]</sup> و سپس به بغداد رفت و مشغول تحصیل علم شد.<sup>[۱۶]</sup> پدرش علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمن بن

عبدالله بن بدیل ورفاء خزاعی بود<sup>[۱۷][۱۸][۱۹][۲۰]</sup> و جد اعلای او **عبدالله بن بدیل** ، که پیامبر در روز فتح مکه ، برای وی دعا نمود که: «**خدا** تو و فرزندانت را بفرمندی گرداند.»<sup>[۲۱]</sup>

**صحابه** و سفیر پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از اصحاب **امیرالمومنین علی** علیه‌السلام بود که به همراه **قبیله خزاعه** در **صفین** ، با معاویه جنگید و با سه برادرش در این جنگ به شهادت رسیدند.<sup>[۲۲]</sup> خاندانش از بیوتات قدیم **شیعه** و راوی **حدیث** ، شاعر و برادرش علی و پسر عمویش «**ابوالشیص**» همگی از شعرا فاضل و شیعه اهل بیت علیه‌السلام بودند. **شعر** و ادب عربی را از **مسلم بن ولید انصاری** ملقب به «صریح الغوانی» که شاعر **هارون الرشید** و خاندان **برامکه** بود، فرا گرفت و از همان جوانی به سرودن شعر پرداخت.<sup>[۲۳][۲۴][۲۵][۲۶]</sup>

## دوران فرمانداری

زامانداری مستعجل دعبل بر سمنجان (سمنجان یا سمنگان از شهرهای طخارستان در کشور افغانستان بود که در آن روزگار از توابع خراسان بزرگ به شمار می‌رفت)<sup>[۲۷]</sup> و اسوان مصر **عباس بن جعفر خزاعی** که از قبیله بزرگ خزاعه بود، از سال ۱۷۳ تا ۱۷۵ ه. ق از سوی هارون الرشید خلیفه عباسی، حاکم خراسان شد. او در حیظه **اختیار و قدرت** خویش، دعبل شاعر، هم نژاد و هم کیش خود را به **ولایت** و حکومت شهر سمنجان منصوب کرد.<sup>[۲۸][۲۹]</sup> وی مدت کوتاهی فرماندار سمنجان شد. دعبل همچنین مدت کوتاهی فرماندار شهر اسوان **مصر** نیز شد، بنا به گزارشی **معتصم عباسی** وقتی هجای دعبل را به شنید<sup>[۳۰]</sup> وی را به **قتل تهدید** کرد، دعبل بر جان خود ترسید و به سوی مصر گریخت؛<sup>[۳۱]</sup> ولی در عین حال بنی عباس و خلفای عباسی او را سخت نکوهش می‌کرد.<sup>[۳۲]</sup>

## سفرهای دعبل

دعبل خزاعی سفرهایی به کشورهای آسیایی و آفریقایی، (دمشق، مصر و مغرب، **ری** و **خراسان**) داشت و امرای آن بلاد را **مدح** می‌گفت، وی به دلیل هجویاتی که در مورد **خلفای عباسی** سروده بود، مامورین خلفای عباسی او را همواره مورد تعقیب قرار می‌دادند، وی میان شهرهای مختلف عراق رفت و آمد می‌کرد.<sup>[۳۳]</sup> خصوص در شهرهای کوفه، بغداد و دینور (در غرب ایران) و در یکی از روستاهای اطراف شوش (که محل شهادت او بود) منزل داشت.<sup>[۳۴]</sup> وی به **قم** نیز سفر می‌کرده و اهالی قم سالی پنج هزار درهم برای او **صله** می‌فرستادند.<sup>[۳۵]</sup>

## عشق به اهل بیت

دعبل از **شیعیان** و دلدادگان **علی بن ابی طالب** علیه‌السلام بود،<sup>[۳۶]</sup> وی وجود مقدس چهار امام شیعه؛ **امام جعفر صادق** علیه‌السلام ، **امام موسی کاظم** علیه‌السلام ، **امام رضا** علیه‌السلام و **امام جواد** علیه‌السلام را درک کرد،<sup>[۳۷]</sup> به دلیل شرایط سخت نتوانست خدمت **امام علی نقی** علیه‌السلام برسد؛ ولی شهر **سامرا** را که امام در آن زندانی بود را سخت نکوهش کرد. زندگی پر برکت دعبل تا **زمان امام حسن عسکری** علیه‌السلام ادامه داشت و او در **مدح** این امام بزرگوار نیز **شعر** سروده است و در واقع معاصر با چند خلیفه عباسی (مهدی، هادی، هارون، امین، مامون، معتصم، واثق، متوکل) نیز بود.

## طبع زود رنج و ظریف دعبل

خلفا به خاطر مدحایش، او را تحمل و **عفو** می‌کردند، ولی دیگران به دشمنی او برمی‌خاستند. دعبل طبعی ظریف و زودرنج داشت و خیلی زود از اشخاص می‌رنجید و از این جهت، به بعضی افراد بد می‌گفت، و حرف‌های **هجو** می‌زد.

## تعصب

دعبل **تعصب** شدیدی به طرفداری از **انمه اطهار** و خاندان علی بن ابی طالب علیه‌السلام داشت، چنانکه معاویه درباره خاندان وی گفته است: «اگر **زنان** بنی خزاعه هم قدرت جنگ با ما را داشتند هر آینه کوتاهی نمی‌کردند.»<sup>[۳۸][۳۹][۴۰]</sup>

## سخنان دیگران درباره وی

**یاقوت حموی** (۶۲۶م) درباره وی آورده است: «دعبل شاعری گرانقدر و با ذوق بود و از مشاهیر شیعه به شمار می‌رفت.»<sup>[۴۱]</sup>

## ← نقل از ریحانة الادب

**میرزا مجدعلی مدرس** (۱۲۷۳م) در **ریحانة الادب** درباره شخصیت وی آورده است: «دعبل شاعر نامی عرب، ادیب فاضل، **صالح** ، متدین و **مداح اهل بیت عصمت** بود و از **اصحاب امام رضا** علیه‌السلام به شمار می‌رفت، بسیار جلیل‌القدر، عظیم‌النشان و ممدوح علمای **رجال** بود و طبعی روان داشت.»<sup>[۴۲]</sup>

## ← سخن ابوعثمان جاحظ

دعبل مدت ۶۰ سال پیاپی شاعری کرد چنانچه ادیب نامی «**ابوعثمان جاحظ**» می‌گوید: از دعبل شنیدم که می‌گفت: «شصت سال است که روزی را بی سرودن شعر نگذراندم.»<sup>[۴۳]</sup>

## دشمنی ابوالفرج اصفهانی

**ابوالفرج اصفهانی** در کتاب **الاعانی** دربارهٔ دعبل می‌گوید: «دعبل شاعر خوش طبع و هجو گری پلید زبان بود که هیچ یک از خلفا و وزراء و فرزندانشان از شر هجو او در امان نماندند.» (ابوالفرج دشمنی شدیدی با دعبل داشت وی در آثارش دعبل را شخصی غاصب و **خبث** معرفی می‌کند، به دلیل اینکه ابوالفرج خلفای غاصب عباسی را «ولی امر مسلمین» می‌دانست و نمی‌توانست جسارت دعبل نسبت به خلفا را برتابد، از این رو سعی کرد وی را شاعری بددهن و بی ادب و شرور معرفی کند)<sup>[۴۴][۴۵]</sup> وی اراده‌ای قوی و روحی **شجاع** و گستاخ داشت، تا آخر عمرش، دست از هجو مخالفان نکشید.

## ایمان و دانش دعبل

دعبل دانشمندی است که حدود ده نفر از ادیبان و دانشمندان از او **روایت** کرده‌اند، در کتاب «تاسیس شیعه» دعبل را یکی از بزرگان و علمای کلام و ادیبان و تاریخ‌شناسان توصیف کرده‌اند که در زمینه زبان شناسی، فصاحت و **تاریخ** اعراب، **ید** طولایی داشته است. در زمان **مامون** خلیفه عباسی، هنگامی که \_ در نزد او \_ سخن از شعرای بنی خزاعه می‌رود، او هیچ یک از شعرای بنی خزاعه را هم‌آورد دعبل نمی‌داند.<sup>[۴۶]</sup>

## تالیفات

دعبل ۴ کتاب تالیف کرده است: ۱- الواحده فی المثالب العرب و مناقبها؛<sup>[۴۷][۴۸][۴۹]</sup> دعبل در این کتاب **سیاست** قومی **بنی امیه** را نکوهش کرده است.

## ← مضمون طبقات الشعرا

۲- طبقات الشعرا،<sup>[۵۰][۵۱]</sup> این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع ادبی می‌باشد، شامل شرح حال شاعران قبل از دعبل است. دعبل در این کتاب شعر و شاعران را می‌ستاید سیزده تن از ادیبان و تاریخ‌نویسان از کتاب طبقات الشعرا دعبل خرابی مطالبی را نقل کرده‌اند.  
۳- کتاب وصایا الملوک؛ این کتاب تاکنون خطی می‌باشد.

## ← دیوان اشعار

۴- دیوان شعر دعبل؛<sup>[۵۲]</sup> این کتاب شامل ده هزار بیت شعر از دعبل است، دیوان اشعار او که ابوبکر صولی در ۳۰۰ ورق جمع آوری و بعد **حمزة بن حسن اصفهانی** و از متأخرین **شیخ مجد سماوی**، مجموعه‌های دیگری از آن ترتیب داده‌اند، اشعار او در مدح و رثاء و هجاء و حماسه و **عتاب** و **مناجاة** و **غزل** و **نصیحت** و **حکمت** است؛ ولی این دیوان هنوز به چاپ نرسیده است. **ابن عساکر** (م ۵۷۱) در تاریخ دمشق آورده است: «دعبل اشعاری نغز و دلنشین دارد، دیوان اشعار و کتاب طبقات الشعراء.»<sup>[۵۳]</sup>

## قصیده تأیید

قصیده تأیید دعبل را که از بهترین و عالی‌ترین نمونه‌های مدح در ادب عرب است عده‌ای از بزرگان شیعه؛ مانند **علامه مجلسی**<sup>[۵۴]</sup> و **سید نعمت الله جزائری**<sup>[۵۵]</sup> شرح کرده‌اند و مضامین آنها در اشعار سایر شاعران شیعه تکرار شده است.

## دعبل و ارتباط با امام رضا علیه‌السلام

**شیخ کلینی** ملاقات او را با امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام در کتاب **اصول کافی** نقل کرده است.<sup>[۵۶][۵۷]</sup> «دعبل خزاعی» شاعر متعهد و شیعه که در زمان امام رضا علیه‌السلام می‌زیست، هنر خویش را در راه احیای **حق آل مجد** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ذکر و یاد شهدای **عترت پیامبر** و بیان فضایل «اهل بیت» قرار داده بود و نزد انمه شیعه منزلتی داشت. قصیده دعبل که حماسه تاریخ **بنی هاشم** و منقبت نامه آل علی بود، بسیار مورد توجه قرار گرفت.

## ← مدارس آیات

قصیده بلند بالای دعبل که به «قصیده تائیه» یا «مدارس آیات» معروف است،<sup>[۵۸][۵۹]</sup> از پرمحتواترین قصایدی است که در بیان حق و فضایل این دودمان پاک و یادآوری از «شهدای آل مجد» می‌باشد. که در این قصیده، که ۱۲۱ بیت است، در فضایی سرشار از معنویت و خاطره‌های پرسوز و گداز، جریان خاندان پیامبر را از آغاز، همراه با شهادت‌ها و رنج‌ها بیان می‌کند. در بسیاری از منابع شعر دعبل با این عنوان آغاز می‌شود:  
مدارس آیات خلت من تلاوه ومنزل وحی مقفر العرصات<sup>[۶۰][۶۱][۶۲]</sup>

## ← تفسیر قصیده

بدین تفسیر: از خانه‌ها و مدارس و منازلی یاد می‌کند که به خاطر ستم‌های امویان و عباسیان متروک و خالی مانده است، از جمله خانه‌ها و مراکزی در خیف، منی، مسجدالحرام، عرفات و جمرات که پایگاه **وحی** بوده است، دباری که برای **آل رسول الله**، **امیرالمؤمنین**، **حسن** و **حسین**، **جعفر** و **عبدالله** و **فضل**، **حمزه** و **امام سجاد** علیهم‌السلام... بوده است. که در اینجا چند بیتی از آن را می‌خوانیم: آیا ندیدی که روزگاران چه جورها کرد و مردم عهدهای خود را شکستند و دولت‌ها احکام **خدا** را به **مسخره** گرفتند و در ظلمت‌های **جهل** در پی **نور** گشتند؟ در این دنیای پر آشوب، چگونه می‌توان به **خدا**ی تعالی نزدیک شد، جز از راه دوستی فرزندان **رسول خدا** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و **بغض** **کینه** فرزندان **مروان** و فرزندان **هند** - معاویه.<sup>[۶۳]</sup>

## اجازه امام رضا علیه‌السلام

زمانی هم که **علی بن موسی الرضا** علیه‌السلام، امام هشتم شیعیان، **ولایتعهدی** مامون عباسی را قبول کرد و از **مدینه** به خراسان آمد، دعبل به همراه **ابراهیم بن عباس صولی**، شاعر دیگر **شیعه**، عازم زیارت امام رضا علیه‌السلام شدند. هر دو شاعر در «مرو» نزد امام رضا علیه‌السلام رفتند و قصیده خود را در مرثیه **حسین** و **مناقب** آن و سایر بنی هاشم انشا نمودند. **اباصلت هروی** گوید: دعبل بن علی خزاعی خدمت امام رضا علیه‌السلام در مرو رسید و عرض کرد: ای فرزند پیامبر! دربارهٔ شما قصیده‌های سروده‌ام و **عهد** کرده‌ام که قبل از شما آن را بر کسی نخوانم. حضرت **اجازه** فرمود تا دعبل شعرش را بخواند، و او هم خواند.

## ← خواندن مطلع

دعبل مطلع چکامه طولانی خود را آغاز نمود:  
تجاوبن بالار نان و الزفرات نواتح عجم اللفظ و النطقات<sup>[۶۴]</sup>  
«نوحه گران با مویه‌ها و آه‌های مفهوم و **گنگ** به یکدیگر پاسخ دادند»  
وی قصیده اش را خواند، تا به این بیت رسید:  
ارک فیئهم فی غیرهم منقسما و ایدیهم من فیئهم صفرات  
«می‌بینم اموال آنان (اهل بیت) به تاراج رفته و در بین افراد بیگانه و نااهل تقسیم شده و دست آنان از غنائم و ارثشان خالی است!  
در اینجا حضرت گریستند و فرمودند: «بله راست گفتی‌ای دعبل!»  
دعبل اشعار خود را ادامه داد و در بعضی از اشعار، حضرت کلامی می‌فرمود تا رسید، چون رسید به این شعر:  
اذا و تروا مدوا الی وائریهم اکفا عن الاوتار منقبضات.

کرد و فرمود: بلی، والله منقبضات، و چون رسید به این شعر:  
لقد خفت فی الدنيا و ایام سعیها و انی لارجو الامن بعد وفاتی  
حضرت فرمود: ایمن گرداند **خداوند** تو را روز فرج اکبر، پس چون رسید، به این شعر:  
اقاطم قومی یابنه الخیر فاندبی نجوم سموات بارض فلات  
قبور بکوفان و اخری بطیبه و اخری بفتح نالها صلوات  
واخری بارض الجوزجان مح و قبر بیاخمری لدی الغربات  
و قبر بیعداد لنفس زکیه تضمنها الرحمن فی العرفات.  
این ابیات بدین معناست: هانای **فاطمه!** ای دختر بهترین انسانها! برخیز و برای فرزندان که هر کدام در سرزمینی افتاده‌اند، ناله کن! قبری به **کوفه** و قبری به مدینه و قبری به فح و قبری به جوزجان... و فرزندت، **موسی بن جعفر** علیه‌السلام، نیز در بغداد مدفون گشته

## ← ابیات پایانی امام

در اینجا امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «آیا من دو بیت به اشعار تو ملحق کنم تا قصیده ات تمام و کامل شود؟ دعیل عرض کرد: «بله یا این رسول الله!» حضرت فرمود:

قبر بطوس یالها من مصیبه الحت علی الاحشآء بالزفرات  
الی الحشر حتی یبعث الله قائما یفرج عنا الهم والکربات  
زهرا جان! قبری هم از فرزندان تو در **طوس** است که مصیبتش جانکاه و سوزنده است تا **خداوند** قائمی را برانگیزد و هم و **غم** ما را بزاید.  
دعیل پرسید: یا این رسول الله! من چنین قبری نمی‌شناسم. در طوس **قبر** کیست؟  
حضرت فرمود: «آنجا قبر من است. چند روزی بیشتر نمی‌گذرد که طوس محل رفت و آمد **شیعیان** و زائران من می‌شود.»

## ← لباس متبرک

دعیل اشعارش را خواند تا به پایان رسید. [۶۵] دعیل گفت: «به خدا برای گرفتن **پول** نیامده‌ام و در گفتن این قصیده طمعی ندارم!» و **کیسه** را برگرداند و گفت: از آن حضرت لباسی از لباس‌های خودشان برایم بگیر تا به آن متبرک و مشرف شوم.  
خادم رفت و برگشت و لباسی از **خر** برای دعیل آورد و کیسه زر را هم برگرداند و گفت حضرت می‌فرمایند: این پولها را بگیر که به آن احتیاج پیدا خواهی کرد. [۶۶]

## حمله راهزنان در راه بازگشت از دیدار امام رضا علیه‌السلام

پس از این که دعیل از مرو خارج شد و به مکانی به نام «قوهان» رسید، راهزنان به قافله او حمله کردند و همه اهل قافله را گرفتند و دستان آنها را بستند و اموالشان را مصادره کردند. دعیل پیرامون آن واقعه می‌گوید: در آن **زمان** دزدان همه اموال مرا **غارت** کردند و به جز کهنه قبایی برایم چیزی باقی نگذاشتند، اما من هیچ تاسفی برای اسبابم نمی‌خوردم، مگر آن جامه‌ای را که امام رضا علیه‌السلام به من عطا کرده بود.

## ← شاعر آل مجد

در همین حال بودم که یاد فرمایش آن حضرت علیه‌السلام افتادم که به من گفت: این پیراهن و طلاها را حفظ کن، زیرا روزی به کارت می‌آید، ناگهان یکی از راهزنان نزدیک من شد و در حالی که **گریه** می‌کرد این بیت از شعر خودم را زیر لب زمزمه کرد:  
اری فینهم فی غیرهم متقسما و ایدبهم من فینهم سفرات  
من از دیدن یک **شیعه** در آن جا متعجب شدم، و برای پس گرفتن آن پیراهن فکری به خاطرم رسید، از این رو به آن **راهزن** گفتم: ای **سرباز!** این قصیده‌ای که می‌خوانی از کیست؟ گفت: این مساله به تو چه ربطی دارد؟ گفتم: این پرسش من سببی دارد، که به زودی تو را از آن مطلع می‌کنم. گفت: شهرت این قصیده نسبت به شاعرش بسیار زیاد است و کسی نمی‌تواند آن را مخفی کند. شاعر آن دعیل بن علی! شاعر آل مجد علیه‌السلام است.  
پس از آن من گفتم: به خدا سوگند! که من همان دعیل هستم، و این **قصیده** را من سروده‌ام.

## ← بازگرداندن اموال غارت شده

آن شخص با شنیدن حرف من متعجب شد و ابتدا باور نکرد، تا این که به او گفتم: اگر باور نداری، می‌توانی از اهل **قافله** بپرسی. از این رو عده‌ای از اهل قافله را جمع کرد و درباره من از آنان پرسید، و همه اهل قافله گفتند: او دعیل بن علی است. پس از آن که آن راهزن از هویت دعیل آگاه شد، دستور داد تا همه اموال غارت شده او را پس دهند. [۶۷][۶۸][۶۹]

## شهادت دعیل

**هجویات** دعیل به خلفای عباسی موجبات **شهادت** ایشان شد، وی خلفای عباسی را سخت نکوهش کرد. یکی از فرمانداران متوکل خلیفه عباسی، **مالک بن طوق** فرماندار دمشق بود، که دعیل هم متوکل و هم مالک بن طوق را به سختی نکوهش می‌کرد. [۷۰] مالک بن طوق تغلیبی که از افراد بانفوذ عرب بود، در صدد **قتل** او برآمد، دعیل به **بصره** فرار کرد و سپس راه اهواز را در پیش گرفت. مالک به شخصی ده هزار درهم داد و او را مامور قتل دعیل کرد. زمانی که او در یکی از آبادی‌های شوش به نام طیبه بود، آن مرد بعد از **نماز عشاء** با نوک عصا **دشنه** مانند زهرآگین خود، زخمی به پشت پای دعیل زد که او را **مسموم** نمود و روز دیگر بر **اثر جراحت** آن، در گذشت. [۷۱][۷۲][۷۳][۷۴] سن او در موقع وفاتش بیشتر از ۹۸ **سال** و تاریخ وفاتش سال ۲۴۶ قمری و مدفن او در **شوش** است. [۷۵][۷۶][۷۷]

## اختلاف روایات درباب مرگ و محل دفن دعیل

البته درباره **تاریخ** وفات و چگونگی **مرگ** و محل **قبر** او، **روایات** و افسانه‌هایی در کتب تاریخ ذکر شده که هیچ کدام صحیح بنظر نمی‌رسد.









## ← متن وصیت نامه

وصیت نامه‌ای که دعیل از خود باقی گذاشت، سراسر معنوی بود و او حتی وصیت کرد که جبه مبارک امام رضا علیه‌السلام که نزدیک به ۵۰ سال همراه خود داشت را در کفنش قرار دهند. [۷۸] بعد از وفات دعیل تعدادی از خاندان دعیل ایشان را به **خواب** می‌بیند که برای **پیامبر** شعر می‌سراید و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز پیراهنی سفید به دعیل **هدیه** می‌دهند. [۷۹][۸۰]

برای دعبل خزاعی ۵ قبر ذکر شده بود، آن هم به دلیل این که شیعیان سخت شیفته دعبل و اینار و مبارزات ایشان بودند و قبر واقعی ایشان که در شوش بود، [۸۱][۸۲] را مخفی نگه داشتند [۸۳] تا مورد توهین بنی عباس قرار نگیرد و این شایعه را پخش کردند که قبر دعبل در خراسان، آفریقا، شادگان، و بین راه اهواز و آبادان قرار دارد.

## پانویس

۱. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۶۸.
۲. ↑ ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۴.
۳. ↑ دهخدا، علی اکبر، تحت نظر مخدمین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۵، (ذیل واژه دعبل).
۴. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۲۶۳.
۵. ↑ کمالی دزفولی، سیدعلی کمالی، دعبل خزاعی شاعر انقلابی، قم، نشریه کتابخانه سید عالم شاه، ۱۳۷۱، ص ۷.
۶. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۶۸.
۷. ↑ ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۴.
۸. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۶۶-۳۶۷.
۹. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۲۸۶.
۱۰. ↑ ابن ندیم، مجد بن اسحاق، الفهرست، با مقدمه رضا تجدد، تهران، بی نا، ۱۹۷۳، ص ۱۸۲.
۱۱. ↑ الاصابه، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶.
۱۲. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۸، ص ۴۸.
۱۳. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۶۸.
۱۴. ↑ ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن مجد، وفیات الاعیان و انباء ابناءالزمان، حقه احسان عباس، بیروت، دارصار، ۱۹۷۷، ج ۲، ص ۲۶۶.
۱۵. ↑ بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۸، ص ۳۷۸.
۱۶. ↑ البراقی، سیدحسین بن احمد، تاریخ الکوفه، مصحح ماجد بن احمد العطیه، بی جا، مکتبه الحدریه، ۱۴۲۴، ص ۴۵۹.
۱۷. ↑ بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۸، ص ۳۷۸.
۱۸. ↑ مرزبانی، ابوعبدالله مجد بن عمران، معجم الشعراء، بیروت، دارالجیل، ۱۹۹۱، ص ۲۸۳.
۱۹. ↑ النجاشی الکوفی الاسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق مجدجواد النائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸، ص ۱۶۱.
۲۰. ↑ حموی رومی، یاقوت، معجم الدیاء، ج ۱۱، ص ۹۹.
۲۱. ↑ الغدیر، ترجمه علی شیخ الاسلامی، تهران، نشر بعثت، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۲۶۶-۲۶۷.
۲۲. ↑ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۶-۱۹۷.
۲۳. ↑ امینی نجفی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۵.
۲۴. ↑ امین، سیدحسن، اعیان الشیعه، حقه و اخرجه حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۵۵۰.
۲۵. ↑ امین، سیدحسن، اعیان الشیعه، حقه و اخرجه حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۹۸۲، ج ۸، ص ۴۷.
۲۶. ↑ ابن رضا، ابوالفضل، مداح اهل عصمت علیه السلام دعبل، بی جا، چاپ اتحاد، بی تا، ص ۱.
۲۷. ↑ یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۲۵۲.
۲۸. ↑ یاقوت حموی معجم البلدان، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۲.
۲۹. ↑ مرزبانی، معجم الشعراء، ص ۳۱۲-۳۱۱.
۳۰. ↑ الفخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر توس، ۱۳۷۴، ص ۳۷۲.
۳۱. ↑ ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۱۴۵.
۳۲. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲۰، ص ۱۶۱.
۳۳. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۶۸.
۳۴. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۹۹-۲۰۰.
۳۵. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۶۳.
۳۶. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲۰، ص ۲۹۶.
۳۷. ↑ ابن شهر آشوب، ابی جعفر مجد بن علی السروی المازندرانی، مناقب الطیه الثانیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۳۹.
۳۸. ↑ ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، قم، مؤسسه العربیه الحدیثه افسنت، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷.
۳۹. ↑ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق مجد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا، ج ۱، ص ۴۵.
۴۰. ↑ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق مجد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۷.
۴۱. ↑ یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۰، ج ۱۱، ص ۱۰۰.
۴۲. ↑ مدرس، میرزا مجدعلی، ریحانة الادب، تبریز، خیام، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۱۲۸.
۴۳. ↑ جاحظ، ابوعثمان، الاغانی، به تصحیح علی النجدی ناصف، بیروت، ج ۲۰، ص ۱۵۱.
۴۴. ↑ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، شرح و کتب هوامشه عبدا. علی مهنا، بیرت، دارالفکر، ۱۹۸۶، ج ۲۰، ص ۱۲۰.
۴۵. ↑ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۸۰.
۴۶. ↑ ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ دمشق، دمشق، ۱۳۲۹، ج ۵، ص ۲۹۹.
۴۷. ↑ النجاشی الکوفی الاسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق مجدجواد النائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۱۶۲.
۴۸. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۷۱.
۴۹. ↑ ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۸۲.
۵۰. ↑ ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۸۲.
۵۱. ↑ النجاشی الکوفی الاسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق مجدجواد النائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۱۶۲.
۵۲. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۳۷۲.
۵۳. ↑ امین، سیدحسن، اعیان الشیعه، حقه و اخرجه حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۹۸۲، ج ۶، ص ۴۰۲.
۵۴. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۳۶۲.
۵۵. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۳۶۳.
۵۶. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۶.
۵۷. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۳۷۲.
۵۸. ↑ ابن رضا، ابوالفضل، مداح اهل عصمت علیه السلام دعبل، بی جا، چاپ اتحاد، بی تا، ص ۱۴-۶.
۵۹. ↑ گوهری، مجدجواد، دعبل بن علی خزاعی، تهران، سپهر، ۱۳۶۸، ص ۲۲-۹.
۶۰. ↑ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۴۵۰.
۶۱. ↑ خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۸، ص ۳۷۹.
۶۲. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسن بن بابویه القمی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۴.
۶۳. ↑ ابن رضا، ابوالفضل، مداح اهل عصمت علیه السلام دعبل، بی جا، چاپ اتحاد، بی تا، ص ۳-۴.
۶۴. ↑ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۳۴۵.
۶۵. ↑ کمالی دزفولی، دعبل خزاعی، ص ۱۲-۱۰.

۶۶. ↑ النجاشی الکوفی الاسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۱۶۲. 
۶۷. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، عیون اخبارالرضا، به تصحیح سید مهدی الحسینی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۵. 
۶۸. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، عیون اخبارالرضا، به تصحیح سید مهدی الحسینی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳-۲۶۴.
۶۹. ↑ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، رشیدالدین مجد، مناقب آل ابی طالب، به تصحیح هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات علامه، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۳۳۹-۳۳۸.
۷۰. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۴۶.
۷۱. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۸۶.
۷۲. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۴. 
۷۳. ↑ العیاسی، عبدالرحیم، معاهدالتنصیص، تحقیق نحمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، سعادة، ۱۹۴۷، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۵. 
۷۴. ↑ ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن مجد، وفيات الاعیان و انباء ابناالزمان، حققه احسان عباس، بیروت، دارصار، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۱۸۰.
۷۵. ↑ امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۲، ص ۲۸۵. 
۷۶. ↑ النجاشی الکوفی الاسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۱۱۵.
۷۷. ↑ الخطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۹۳۱، ج ۸، ص ۲۸۱. 
۷۸. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۹۵. 
۷۹. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۸. 
۸۰. ↑ الخوانساری اصفهانی، مجدباقر موسوی، روضات الجنات، تصحیح اسدالله اسماعیلیان، قم، مكتبة السماعیلیان، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۲۵.
۸۱. ↑ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۸۴.
۸۲. ↑ کمالی دزفولی، دعبیل خزاعی شاعر انقلابی، ص ۳.
۸۳. ↑ ابی الفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۸۶.

## منبع

سایت پژوهه برگرفته از مقاله «دعبیل خزاعی». 